

مصادیق واسطه فیض الهی در اسلام

تهمینه فرزانه، ناهید ترابی، اکرم میرزایی¹

چکیده

از نگاه دانشمندان و حکمای مسلمان، خداوند تنها وجود بخش هستی است. همچنین خداوند مراتب عالی و توحید ذاتی و صفاتی را دارد و بسیط و بی تکثر است. از اینرو و بر اساس قاعده «الواحد لا یصدر منه الا الواحد» نخستین آفریده خدا باید کامل مطلق باشد. این نخستین خلیفه و واسطه تداوم فیض او بر دیگران به شمار می‌آید؛ بسیاری از حکما و عرفا نخستین صادر را که صلاحیت واسطه شدن میان خلق و خالق را داشته باشد، حقیقت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، نور اهل بیت (علیهم السلام) و در عصر حاضر، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان کرده اند. نگارنده در این نوشتار بر اساس شیوه کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی تحلیلی، پس از بیان روایات نورانی اهل بیت علیهم السلام به تحلیل مصادیق واسطه فیض از دیدگاه دانشمندان اسلامی می‌پردازد.

کلید واژگان: واسطه، فیض، فیض الهی.

¹ طلبه سطح 3 مدرسه علمیه تخصصی زینبیه سلام الله علیها، ایمیل: atefetorabi.1991@gmail.com

مقدمه

بنابر متون دینی و نظرات اندیشمندان مسلمان، خداوند که عالم هستی از او است و ادامه هستی و هر حرکت و تغییری وابسته به او و ناشی از فیض او است، خود برای اعطای فیض خویش، مجاری و اسبابی را قرار داده است. همچنین از آنجا که خداوند متعال عادتاً امور و افعال خود را براساس نظام اسباب و مسببات انجام می‌دهد؛ این سوال مطرح می‌شود که مصادیق این واسطه فیض الاهی از دیدگاه اسلام چه کسانی هستند؟ به عبارت دیگر چه مخلوقاتی صلاحیت واسطه شدن میان خلق و خالق را دارند؟ علما و دانشمندان مسلمان به ویژه مکتب تشیع برای تبیین این نیاز و آن جایگاه بلند، براهین و استدلال‌های متعدد عقلی و نقلی اقامه کرده اند. مستند و برهانی ساختن پیش‌فرض‌ها در این موضوع، نیازمند بررسی دقیق آموزه فیض در لغت و اصطلاح (عرفان و فلسفه) و در آئینه آیات و روایات است. همین‌طور، فهم دقیق واسطه در فیض و تطبیق آن بر مصادیق نیز به بررسی معانی صحیح واسطه بودن نیاز دارد. این پژوهش در جهت پاسخ دادن به این پرسش ابتدا به معنای لغوی و اصطلاحی فیض و در ادامه به ضرورت وجود واسطه و مصادیق واسطه فیض الاهی از منظر اندیشمندان مسلمان می‌پردازد.

1- تعریف لغوی فیض

فیض، در لغت به معنای فزونی، سرشاری و فراوانی و جاری است. مقابل فیض نیز واژه غیض، قرار دارد که به معنای اندک است. «حوض حایض، یعنی حوض پر آب «افاض آناءه»، یعنی ظرفش آنقدر پر آب شد که لبریز گردید.^۱

«افاض الماء والدمع والمطر والخیر، یفیض فیضاً أی کثره»^۲ آب چشمه و باران و خیر فیضان کرد یعنی فزونی کرد. ابن فارس قید سهولت را نیز اضافه کرده است.^۳ این واژه در معنای جود و بخشش نیز به کار رفته است.^۴

^۱ فراهیدی، العین، ص 65.

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۱۰.

^۳ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 4، ص 465.

^۴ راغب اصفهانی، مفردات، ص 648.

2- تعریف اصطلاحی فیض الهی

فیض الهی یعنی فیض هستی که سراسر جهان را دربرگرفته است.^۱ فیض الهی همه خیرات، برکات و نعمت هایی است که خداوند تعالی اعطا کرده است. با نگاهی به جهان آفریش این حقیقت رخ می نماید که جهان هستی جلوه گاه روشن فیوضات و نعمتهای معنوی و مادی پروردگار جهانیان است. میتوان فیض و اعطای خداوند را نسبت به موجودات به تابش و نورافشانی و فیض دهی نور خورشید به اجسام گوناگون تشبیه کرد؛ چرا که در نورافشای خورشید ویژگی های زیر به چشم می خورد :

- 1- خورشید همواره نورافشانی میکند.
- 2- این نور افشانی هیچگاه از ناحیه آفتاب نسبت به هیچ موجودی تعطیل نیست .
- 3- اگر تفاوت و کمی تابش در نورافشانی خورشید مشاهده شود مربوط به گیرنده های اشعه خورشید است نه به پرتوافشانی نور آفتاب.^۲

معنای اصطلاحی فیض در عرفان و تصوف

فیض در منابع عرفانی، به چهار معنای اصلی به کار رفته که تنها یک معنای آن، مطابق اصطلاح فلسفی و مورد بحث است:

- 1- القای الهی در برابر وسوسه که القای شیطانی است؛^۳
- 2- جود و بخشش الهی؛^۴
- 3- چیزی که از تجلی خداوند پدید می آید و بر حسب دریافت کننده فیض، محدود و معین می شود.^۵
- 4- به فعل فاعلی گفته می شود که پیوسته و همیشه، بدون دریافت عوضی و بدون غرض انجام می شود؛ چنین فاعلی دائم الوجود خواهد بود: الفیض هو التجلی الدائم الذی لم یزل و لا یزال؛ فیض تجلی دایم، پیوسته و همیشگی است .^۶

¹ مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۴۵.

² جوادی آملی، ریح مختوم، ج ۱۰، ص 223.

³ کفوی، الکلیات و الفروق اللغویه، ص 691.

⁴ ابن عربی، فتوحات المکیه، ج 4، ص 98.

⁵ تهانوی، موسوعه کشاف اصطلاحات، ص 1294.

⁶ افندی، فصوص الحکم، ص 1613.

فیض در نگاه فلاسفه و حکما

فیض در نگاه فلاسفه و حکما، بیشتر متوجه تفسیر اخیر عرفا و در مقام تبیین فاعلیت خدا و کیفیت صدور آفرینش است. سخن فارابی و ابن سینا آیینه تمام‌نمای گفته‌های حکمای پیشین و پسین در باب فیض است.

فارابی می‌گوید:

واجب الوجود، مبدأ هر فیضی است و واجب الوجود به ذاتش - نه به غیر - بر ذات خود آشکار است، پس همه چیز بدون حیثیت کثرت برای اوست پس واجب الوجود از همان حیث که آشکار است به ذاتش به کل می‌رسد پس علم واجب الوجود پس از ذاتش به همه ثابت است و علم او خود ذات اوست پس علم او به کل در مرتبه پس از ذاتش متکثر می‌شود.^۱

ابن سینا می‌گوید:

روند فیض تنها در مورد خدا و عقول به کار می‌رود، چون از آن جا که صدور موجودات از خداوند بر نحوه حتمیت است نه به دنبال اراده پیرو غرض (ذات او در صدور فعل کافی است) و نیز صدور فعل از او همیشگی است بدون مانع و ایجاد خستگی لذا بهتر است فعل خداوند فیض نامیده شود.^۲ صدور موجودات از مبدأ اول، نه از راه قصد و اراده است و نه از نوع فاعل‌های طبیعی، بلکه صرفاً از تعقل ذات باری تعالی به ذات خویش که عقل محض و خیر مطلق است نشأت می‌گیرد؛ زیرا قصد و اراده مستلزم نقص و موجب تکثر ذات باری است و آفرینش بر منوال طبیعی نیز با نبود رضا و معرفت صانع به مصنوع و سلب اختیار ملازمت دارد و حال آن که خداوند عالم، راضی و مختار به همه افعال خود است.^۳

پس فیضان و فیض جوشش، بارش سرریز و لبریزی وجود و خیرات از مبدأ متعال است، بدون این که کسی یا چیزی موجب این لبریزی و صدور شده باشد. گفتنی است، اصولاً واژه فیض چنین معنایی را می‌رساند.^۴

^۱ واجب الوجود، مبدأ کل فیض و هو ظاهر علی ذاته بذاته فله الكل من حیث لا کثرة فیه، فهو من حیث هو ظاهر فهو ینال الكل من ذاته فعلمه بالکل بعد ذاته و علمه نفس ذاته فیکثر علمه بالکل کثرة بعد ذاته؛ حلبی، النصوص الکلم (شرح فصوص الحکم)، ص 133.

^۲ ابن سینا، الرسالة العرشیه، ص 4.

^۳ عمید، حقیقت و کیفیت سلسله موجودات، مقدمه.

^۴ برخی منابع این جوشش و لب ریزی را به انبجاس تعبیر کرده اند. در این باره نک: فلوطین، شرح اثولوجیا (فلوطین عند العرب)، ص 134.

3- ضرورت وجود واسطه

با پذیرش وجود نظام سبب و مسبب و وجود وسایط در تحقق موجودات، این بحث مطرح می شود که آیا وجود واسطه امری ضروری و لازم است، یا این که خداوند متعال بر اساس مصالح و حکمت هایی نظام جهان را بدین گونه خلق کرده است؟ حکمای اسلامی با دو بیان در صدد اثبات این مطلب برآمدند که وجود واسطه امری ضروری است:

بیان اول: خداوند واجب تعالی بسیط و غیر مرکب است. او «احدی الذات و الصفات» است؛ یعنی صفات او عین ذات اوست. بنابر این، در ذات او کثرت راه ندارد و بر اساس قانون «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» صدور کثیر از خداوند ممکن نیست.

مطلب دیگری که باید به آن توجه داشت این که واجب تعالی فاعل و موجد است فقط به ذاتش و نه به انضمام امری دیگر که زاید بر ذات است و در مرحله فاعلیت، جز افاضه وجود فعلی از او صادر نمی شود و تمام صفات فعلی او به افاضه و ابداع برمی گردد. لذا نمی توان به او چیزی منضم کرد تا در مقام فاعلیت کثرتی به وجود آید و به دنبال آن، صدور کثیر از جانب او ممکن شود (در حالی که در موجود غیر واجب مانند انسان چنین امری ممکن است؛ مثلاً به ذات انسان که «جوهر ناطق» است، صفت کتابت ضمیمه می شود و لذا فعل کتابت از او صادر می شود. انسان در مقام فاعلیت از ذات و امر منضم شده به ذات مرکب است).

بر این اساس که کثرت از فاعلی صادر می شود که یا ذاتش مرکب باشد و یا در مقام فاعلیت تکثری برای او باشد، و این هر دو در واجب تعالی منتفی است. لذا از او کثیر صادر نمی شود و صادر از او موجود واحد بسیطی بیش نخواهد بود.^۱ از فارابی چنین نقل شده است:

إِنَّ أَوَّلَ الْمَبْدَعَاتِ عَنْهُ [تعالی] یكون واحداً و هو العقل الأول.^۲

بیان دوم: این حقیقت ثابت است که میان علت و معلول، سنخیت لازم است؛^۳ یعنی معلول با علتش مناسب است، نه بین آن دو تخالف تام است و نه تشابه تام؛^۴ و براساس قوله سبحانه: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ

^۱ صدرای شیرازی، المبدأ و المعاد، ص 188.

^۲ فارابی، مجمع البحوث الاسلامیه، ص 216.

^۳ فیض کاشانی، اصول المعارف، ص 87.

^۴ حسن زاده آملی، هزار و یک کلمه، ج 4، ص 28.

نتیجه گیری

با توجه به پژوهش صورت گرفته در مصادیق واسطه فیض در اسلام، از نگاه دانشمندان و حکمای مسلمان واجب الوجود مبدأ هر فیضی است و روند فیض تنها در مورد خدا و عقول به کار می رود. از آنجا که وجود خداوند کمال مطلق است و دارنده تمام صفات جمال و جلال، پس فاعلیت فیض نیز برآورنده اوست و تنها او دائم الفضل بر موجودات است.

- فیض هستی بخش که عین ذات خداست همیشه هست پس واسطه نیز هموار است.
- امامان واسطه فیض خداوند پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند. بدین معنا که خداوند فیض خود را از طریق امام به دیگران اعطا می کند.
- با بررسی روایات موجود در این زمینه می توان بدین نتیجه رسید که امام (علیه السلام) واسطه فیض خداوند است؛ بدین معنا که به دلیل شرافت و بزرگی امام (علیه السلام) است که خداوند از مجرای وجود او نعمت ها و رحمت های خود را بر بندگان نازل می کند؛ همچنین قوام و دوام این عالم به وجود امام (علیه السلام) وابسته است.
- در هر عصر و زمانی امامی روی زمین وجود دارد که همواره واسطه فیض خداوند برای آفریدگان است.
- همان طور که متون دینی وصول فیض الهی به عالم را از دریچه انبیا و معصومین می داند عرفا نیز خلیفه الهی را واسطه فیض به عالم معرفی می کنند.
- امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واسطه فیض الهی است. فیوضات الهی از سوی ایشان بر مخلوقات عنایت می شود؛ بنابراین امام زمان بر عالم هستی نافع است.

منابع

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه.
3. ابن بابويه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الامالی، تهران: کتابچی، چاپ ششم، 1376 ش.
4. ابن بابويه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، تهران: کتابچی، چاپ هشتم، 1377 ش.
5. ابن بابويه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، علل الشرايع، نجف اشرف: المكتبة الحيدرية، 1385 ه ق.
6. ابن بابويه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، تهران: جهان، چاپ اول، 1378 ه ق.
7. ابن بابويه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدين و تمام النعمة، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ه ش.
8. ابن بابويه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقيه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، 1363 ه ش.
9. ابن بابويه (صدوق اول)، علی بن حسین، الامامة و التبصرة من الحيرة، قم: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، چاپ اول، 1363 ش.
10. ابن سینا، حسین، الرسالة العرشیه، قم: بیدار، چاپ اول، 1400 ق.
11. ابن عربی، محی الدین، فتوحات المکیه، مترجم: محمد خواجوی، بیروت: دارالصاد.
12. ابن فارس، احمد بن فارس (1404ق). معجم مقاییس اللغة، تصحیح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، بی تا.
13. ابن منظور، محمد بن مکرم (1414ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
14. اصفهانی، شیخ محمد حسین؛ حاشیه المکاسب، تحقیق عباس محمد آل سباع، چاپ اول، انوار الهدی، 1418.
15. افندی، سید یعقوب خان، شرح فصوص الحکم، هند: مطبه افتخار، 1897 م.

16. شرح اصول کافی، ترجمه: محمدجواد خواجهوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، 1360 ش.
17. تفتازانی، مسعود، شرح المقاصد، چاپ اول، قم: الشریف الرضی، 1409 قمری.
18. تهانوی، محمد، موسوعه کشف اصطلاحات، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، چاپ اول: 1996 میلادی.
19. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم: اسراء، چاپ اول: 1382.
20. جوادی آملی، عبدالله، رحيق مختوم، قم: اسراء، چاپ اول: 1395.
21. حاجی سبزواری، هادی، اسرار الحكم، تهران: مولی، چاپ اول، 1396.
22. حرانی، ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه، بی جا: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، 1406 ق.
23. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله)، قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، 1363.
24. حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک کلمه، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، 1375.
25. ربانی، محمدرضا، جلوات ربانی، چاپ اول، تهران 1379 ش.
26. شرح اثولوجیا (فلوطين عند العرب)، تحقیق عبدالرحمن بدوی، قم: بیدار، چاپ اول، 1413 ه ق.
27. شیرازی، صدرالدین محمد، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، 1360 ه ش.
28. شیرازی، صدرالدین محمد، المبدأ و المعاد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول، 1381 ش.
29. شیرازی، صدرالدین محمد، کتاب المشاعر، تعلیق هنری کرین، چاپ دوم، کتابخانه طهوری، بی تا.
30. صغیر؛ جلال، الولایه التکوینیة حق الطبیعی للمعصوم (علیه السلام)، چاپ دوم، دارالاعراف، 1419 ق.
31. صفار قمی، ابن فروح، بصائر الدرجات، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404 ه ق.
32. طبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج. مشهد: نشر المرتضی. 1403 ه ق.
33. طیب، عبدالحسین، کلم الطیب، تهر ان: کتابفروشی اسلام، چاپ سوم: 1363 ه ش.

34. فارابی، محمد، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد: 1422 ه ق.
35. فاریاب، بررسی انطباق شئون امامت در کلام امامیه بر قرآن و سنت، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، 1396.
36. فراهیدی، العین، قم: انتشارات اسوه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ه ش.
37. فناری، محمد بن حمزه، مصباح الانس، انتشارات فجر، تهران، 1363 ش.
38. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، علم الیقین، قم: بیدار، چاپ اول، 1418 ه ق.
39. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، اصول المعارف، قم: فتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ سوم، 1375 ه ش.
40. مقام واسطه فیض الهی در زیارت جامعه کبیره (2020، اوسپتامبر)، برگرفته از: امامت پدیا: <https://fa.imamatpedia.com/wiki>
41. کفوی، ابوالبقاء ایوب بن موسی، الکلیات، دمشق: منشورات وزارة الثقافة و الارشاد العربی، 1974م.
42. کاشانی، حبیب‌الله، وسیله المعاد، چاپ سنگی، بی نا، 1357 ه ش.
43. کلینی، محمد ابن یعقوب، /اصول کافی، لبنان: منشورات الفجر. الطبعة الاولى. 1428ه ق.
44. کوفی، تفسیر فرات کوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول، 1410 ه ق.
45. لاریجانی؛ صادق، مجله موعود، مصاحبه، مسلسل 10 و 11.
46. لطیفی، رحیم، اثبات امامت و واسطه فیض، مجله مشرق موعود، سال اول، تابستان 1386، شماره 2.
47. مجلسی؛ محمدباقر، رساله للعلامة المجلسی (شرح باب حادی عشر)، خط عبدالرحیم، بی نا، بی جا، 1282 ه ق.
48. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، چاپ هفتم، 1376 ه ش.
49. نعسانی حلبی، محمد، نصوص الکلم علی کتاب فصوص الحکم، مقدمه علی اوجبی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1389 ش.
50. نعمانی، ابی عبد الله، الغیبه، تحقیق: فارس حسون کریم، بیروت: دار الجوادین، چاپ اول، 1432 ه ق.
51. یوسفیان، مهدی، نقش امام در نظام آفرینش، مجله انتظار موعود، شماره 46.

52. عمید، مقدمه رساله حقیقت و کیفیت سلسله موجودات، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، چاپ دوم، 1383 ه ش.